

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: عثمان حیدری

۰۱ دسمبر ۲۰۱۴

امریکا ستراتیژی خود در افغانستان را به طور جدی تغییر می دهد

از سال آینده نیروهای امریکا در افغانستان به یک دلیل ساده با نیروهای طالبان درگیر نخواهند شد. دلیل این است که آنها اعضای گروه «طالبان» هستند. این نظریه جدید و غیرمنتظره و اشنگتن در افغانستان توسط جوش ارنست نماینده رسمی کاخ سفید در جلسه خبری با روزنامه نگاران مطرح شد. پتر گانچاروف کارشناس مسایل افغانستان معاصر به تفسیر این خبر می پردازد. کاخ سفید با این بیانیه خود عملاً به جنبش «طالبان» دست کم برای خود رسمیت می دهد. امریکا به این ترتیب اعلام کرد که نه تنها ستراتیژی خود را به طور اساسی تغییر داده، بلکه نظریه دستیابی به ثبات در افغانستان را نیز عوض کرده است. ایالات متحده عملاً «چراغ سبز» دستیابی به قدرت را برای طالبان روشن کرده، ضمن این که این چراغ سبز با توجه به برنامه های خود برای ساختن افغانستان و نگاه فلسفی و درک آنها از اسلام و به طور کل با نظم جهانی مورد توجه آنها است. مشکلاتی از قبیل حقوق زنان و جایگاه آنها در جامعه تا حق یک مسلمان معمولی برای تماشای مسابقه والیبال در محدوده اختیارات خود قرار می دهند، بدون این که خود را در معرض تروریست های انتحاری طالبان قرار دهند.

این تصمیم نکات دیگری هم دارد. باید دید که همسایگان افغانستان این مسأله را چطور ارزیابی می کنند. این همسایگان با سرکار آمدن رئیس جمهور روی حل و فصل مسایل داخلی و مشکلات منطقه حساب کرده بودند. به گفته آجار کورتوف یکی از کارشناسان برجسته روس در مسایل آسیای مرکزی، تصمیم کاخ سفید برای خودداری از انجام عملیات نظامی علیه طالبان، می تواند فقط همسایگان شمالی افغانستان را نگران کند.

آجار کورتوف می گوید: «طبق اطلاعاتی که نیروهای تجسس تمام جمهوری های آسیای مرکزی در دست دارند، در خطوط مرزی این کشورها با افغانستان، گروه های شبه نظامیان حضور دارند که می توانند هدفشان هجوم به قلمرو کشورهای ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان باشد. اگر اوایل سال های نود و اواسط آن و همچنین حوادث اندیجان در سال ۲۰۰۵ را به خاطر داشته باشیم، آنوقت سناریو ها دیگر غیر واقعی به نظر نمی رسند».

به گفته این کارشناس، شواهد متعددی است که وجود این تهدیدات را اثبات می کند. شبه نظامیان چندین مرتبه از برنامه های خود برای ایجاد نظم اسلامی در مناطق اتحاد جماهیر شوروی سابق یعنی جمهوری های آسیای مرکزی و قزاقستان سخن گفته اند. به همین خاطر، این کارشناس اطمینان دارد که تصمیم ایالات متحده امریکا برای خودداری از عملیات نظامی علیه گروهک های رادیکال اسلامی که بی شک طالبان جزو آنهاست، از طرف رهبران جمهوری های آسیای

مرکزی اصلاً قابل درک نمی باشد. برای پاکستان احتمالاً این بیانیه کاخ سفید بسیار خوشحال کننده است. اسلام آباد از این پس می تواند اهرم های تکمیلی برای فشار بر کابل از طریق طالبان داشته باشد.

اما، پتر توپیچکانوف کارشناس مسایل پاکستان می گوید که اینجا اما و اگر هائی وجود دارد. وی می گوید: «به سختی می توان گفت که این تصمیم کاخ سفید برای اسلام آباد خوشایند است یا خیر. اگر البته، مذاکره میان مقامات رسمی کابل و طالبان پاکستان به سطح باثباتی برسد، آنوقت، برای پاکستان خوشایند نخواهد بود. در اسلام آباد، افراد زیادی هستند که معتقدند، طالبان خود را در مقابل پاکستان مسؤل می داند، اما تاریخ نشان می دهد که این فقط توهم است. باید متوجه بود که طالبان در سال های ۹۰ که کنترل بخش اعظم افغانستان را در دست داشتند، خود را کاملاً قوی و مستقل می دیدند و همان زمان پاسخگوئی به منافع پاکستان را قطع کردند. به همین خاطر، امیدهائی که اسلام آباد به طالبان برای حل مشکل مرزها با کابل و به طور کل، خطوط دیورند بسته بود، به طور کل از میان رفت.»

اما چه عاملی کاخ سفید را وادار به اتخاذ چنین تصمیمی کرد؟ از یک طرف، دستورات محرمانه بارک اوباما برای افزایش نیروهای نظامی در افغانستان پس از سال ۲۰۱۵ و حضور در تمامی عملیات های نظامی که نیروهای نظامی افغانستان انجام می دهند را داریم. علاوه بر این، اگر به رسانه های گروهی افغانستان اعتماد کنیم، اشرف غنی تمام محدودیت ها برای انجام عملیات نظامی توسط نیروهای ملی با حمایت مستقیم امریکا، ناتو و ایساف را برداشته است.

آیا ممکن است که رئیس جمهور افغانستان بدون توافق پنتاگون دست به اتخاذ چنین تصمیم شجاعانه ای بزند؟ این احتمال وجود دارد که تصمیم رئیس جمهور با احتساب تصمیمات واشنگتن برای سال آینده باشد. شرایط حاضر حول بارک اوباما، نه تنها این سناریو را نقض نمی کند، که حتی تأیید می کند.

در حقیقت، بعید است که نظریه جدید ایالات متحده امریکا برای برقراری نظم در افغانستان، قانع کننده باشد. به همین خاطر، این احتمال وجود دارد که طرح جدید امریکا برای برقراری نظم در افغانستان، از روی اجبار باشد و اگر چنین باشد، آنوقت طالبان که ضعف ایالات متحده را احساس کرده، می تواند به سمت مذاکره با مقامات رسمی برگشته و حتی خواسته های خود را از آنها جدی تر کند.